

# جوانان،

## وسائل ارتباط جمعی و تهدیات فبرسکی

راشد جعفرپور کلوری

کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی

### مقدمه

در گذشته چنین مرسوم بود که قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر سایر کشورها به لشکرکشی و تحکم نظامی مبادرت می‌کردند، ولی امروزه به جای صرف وقت و هزینه‌های گزاف، برای رسیدن به اهداف شوم خود، از طریق کنترل اهرم‌های کلیدی اقدام می‌کنند. یکی از کلیدی‌ترین اهرم‌ها که مدنظر ابرقدرت‌ها از جمله غرب است، فرهنگ می‌باشد. فرهنگ شاید به عنوان بی‌صداترین و آرام‌ترین ابزار تهاجم باشد که آثارش چه بسا مخرب‌تر از هزاران بمب و موشک و گلوله است. به خصوص در مورد جمهوری اسلامی ایران که توسط دشمنان، تمام روش‌ها مورد آزمایش قرار گرفته و نتیجه‌ای عایدشان نگردیده است، به تهاجم فرهنگی، به عنوان آخرین و قوی‌ترین حربه امید بسته‌اند.

در ادبیات ملل مختلف، اسطوره‌هایی دیده می‌شوند که هر یک در عصر خود به نحوی از انحاء سرآمد بوده‌اند، ولی همه آن‌ها یک نقطه ضربه‌پذیر و یک نقطه ضعف داشته‌اند که آخرالامر همان سبب سقوط و نابودی آن‌ها گردیده است. شاید امروزه، آن نقطه حساس برای بافت اسلامی و مردمی‌کشور ما فرهنگ باشد. گرچه اقدامات مدیران فرهنگی کشور سبب شده که هر روزه شاهد برنامه‌های مختلف و

تلاش‌های فراوانی در جهت اعتلای سطح فرهنگی اجتماع باشیم، اما این که این برنامه‌ها و تلاش‌ها چقدر در برابر هجوم انبوه برنامه‌های مبتذل و صرف میلیون‌ها دلار هزینه برای انحراف و کجروی جوانانمان توسط استعمارگران از طریق رسانه‌ها مثمرتر باشد، قابل بحث و بررسی است.

اینک در عصری قرار گرفته‌ایم که شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و تلویزیونی، اینترنت و ابزار ارتباطی پیچیده دیگر باعث شده‌اند ارتباطات فرهنگی در سطح جهان بسیار آسان و سریع صورت گیرد، دهکده جهانی مک لوهان در بسیاری از نقاط جهان تحقق یابد و ارتباط چهره به چهره به صورت الکترونیکی ممکن شود. بدین ترتیب، ایجاد جزایر فرهنگی که ارتباطی با فرهنگ‌های دیگر نداشته باشند، امری غیرممکن و بعید شده است. با استفاده از این ارتباطات و تعاملات فرهنگی، فرهنگ‌هایی که ابزار القا و رهبری فرهنگی بیش‌تری داشته باشند، توانایی رشد و گسترش افزون‌تری دارند. بنابراین اگر امکان ارتباط فرهنگی دو سویه برای ملتی فراهم نشود، فرهنگ‌هایی که کم‌تر توان و ابزار رسانه‌ای و قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی در اختیار دارند مورد هجوم دیگر فرهنگ‌ها قرار می‌گیرند و چه بسا این امر منجر به حذف یا انزوایشان گردد.

### جامعه جوان

جامعه ایرانی معاصر جامعه‌ای است که اکثر افراد آن را جوانان تشکیل می‌دهند، جوانانی که به عنوان فعال‌ترین و آماده‌ترین نیروها و ارزشمندترین سرمایه‌ها در اختیار مریبان و مسئولین قرار دارند تا سازنده ایرانی آباد و سرفراز باشند. قشر جوان جامعه در عین برخورداری از قدرت و توان بالقوه، آمادگی انحراف و هضم شدن در فرهنگ‌های منحط وارداتی را نیز به خوبی داراست.

بی‌شک نقش مسئولان و مریبان جامعه در این عصر بیش از همه ادوار، جدی و ضروری می‌نماید. اگرچه تهدیدهایی چون بیکاری، فقر، اعتیاد و انحرافات دیگر هر روزه از طرق مختلف در جهت آسیب زدن و مختل کردن نسل جوان، این رکن اساسی جامعه، به کمین نشسته‌اند، اما با برنامه‌ریزی‌های جدی و اصولی می‌توان به هدایت درست این گروه پرتوان و با انگیزه دست یافت و از انرژی‌های انباشته و استعداد‌های طبیعی این قشر به نحو احسن در جهت پیشرفت و سازندگی

بهره برد. اما اگر در این امر غفلت شود آسیب‌ها و زیان‌های وارده به این نسل موجب وارد آمدن لطمات جبران‌ناپذیری به فرهنگ کشور و آینده جامعه خواهد شد. در این مقال برآنیم تا نقش صنعت فرهنگ و ابزار مبادله فرهنگی، چون وسایل ارتباط جمعی را در شکل‌گیری شخصیت جوانان مورد بحث قرار دهیم.

### صنعت فرهنگ

از جنگ جهانی دوم به این سو ما شاهد رشد فزاینده صنعت فرهنگ هستیم. تلویزیون و صنعت‌های وابسته به آن، دانش‌های کامپیوتری، صنعت ویدئو و بعدها ماهواره، اینترنت و... زاینده تحولات چند دهه اخیر است و این‌ها بر آینده فرهنگ در سراسر جهان اثر می‌نهند. سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که فرهنگ چه به صورت کالا و چه به صورت خدمات، به هر حال از جریان صنعتی شدن تأثیر می‌پذیرد.

اکنون محصولات فرهنگی در کل جهان منتشر می‌شود و هر خانه و هر حکومتی ناگزیر می‌بایست وضعیت خود را مشخص کند. کسانی که این موقعیت مهم را درک نکردند و نمی‌کنند سرانجام به صورت برده این صنعت در خواهند آمد. عامه مردم با محصولات صنعت فرهنگ ده‌ها، بلکه صدها و هزارها بار یا بیش‌تر تماس حاصل کرده و با این نوع کالاها آشنایی و ارتباط برقرار کرده‌اند. بدین لحاظ ضرورت دارد که سیاست‌های فرهنگی هر چه بیش‌تر به موضوع صنعت فرهنگ و فرآورده‌های آن توجه نشان دهند. (پهلوان،

اگر امکان ارتباط فرهنگی دو  
سویه برای ملتی فراهم نشود،  
فرهنگ‌هایی که کم‌تر توان و ابزار  
رسانه‌ای و قدرت اقتصادی،  
سیاسی و نظامی در اختیار دارند  
مورد هجوم دیگر فرهنگ‌ها قرار  
می‌گیرند و چه بسا این امر منجر  
به حذف یا انزوایشان گردد.

۱۳۷۷، ص ۳۳۷) از جمله مصنوعات فرهنگی، وسایل ارتباط جمعی است که بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا هر روزه شاهد گسترش کمی و کیفی این وسایل در سطح جوامع و به خصوص جامعه خود هستیم. در جامعه ایرانی کم‌تر کسی یافت می‌شود که روزانه با هیچ یک از وسایل ارتباط جمعی برخورد نداشته باشد. با توجه به مزایا و در عین حال مضراتی که این ابزارها دارند مسئولیت مربیان و معلمان و مسئولان فرهنگی، پرورشی و تربیتی دو چندان مهم و ضروری جلوه می‌کند. ابتدا باید بدانیم وسایل ارتباط جمعی چه معنا و مفهومی دارند.



**اگرچه تهدیدهایی چون بیکاری، فقر، اعتیاد و انحرافات دیگر هر روزه از طرق مختلف در جهت آسیب زدن و مختل کردن نسل جوان، این رکن اساسی جامعه، به کمین نشسته اند، اما با برنامه ریزی‌های جدی و اصولی می‌توان به هدایت درست این گروه پرتوان و با انگیزه دست یافت و از انرژی‌های انباشته و استعدادهای طبیعی این قشر به نحو احسن در جهت پیشرفت و سازندگی بهره برد.**

### وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی به مجموعه ابزاری گفته می‌شود که در جهت برقراری ارتباط بین مجموعه‌ای از افراد ایفای نقش می‌کنند. این وسایل بسیار متعددند و از زمره رسانه‌های ارتباطی می‌باشند و برگردونه ارتباطی تأثیری شگرف بر جای می‌گذارند. این وسایل پدیده‌هایی اثر گذار بر تمامی ارکان جامعه بوده، بر خلاف انتظار صرفاً کاتالیزور نیستند، بلکه خود عصری نو پدید می‌آورند. این ابزار شگرف که مظهر ارتقای تکنولوژیک انسان‌اند، دارای بیش‌ترین تأثیر فرهنگی در میان تمامی ابزار و فنون جدیدند. در بین دیگر رسانه‌ها نقش این ابزار بیش‌تر مورد بحث و بررسی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان علوم اجتماعی قرار گرفته است. نظریه پردازان متعددی در خصوص نقش مؤثر وسایل ارتباط جمعی در تغییر و تحولات فرهنگی جوامع نظر داده‌اند. یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران وسایل ارتباط جمعی، یعنی «مک لوهان» سه دوره را برای تاریخ بشر ترسیم می‌کند: دوران تمدن باستانی، دوران تمدن دارای خط و دوران تمدن مبتنی بر وسایل الکترونیک.

«رایزن» نیز از دیگر اندیشمندان عرصه وسایل ارتباط جمعی است که جوامع انسانی را در سه مرحله در حال تطور می‌بیند. از نظر او در دوران اول، شاهد پیدایی نوعی انسانیم که آن را انسان «سنت راهبر» می‌خوانند. در شرایطی دیگر، شاهد پیدایی انسانی هستیم که به خود واگذار شده است و باید خود راه زندگی و اندیشه را باز یابد. رایزن این انسان را «خودراهبر» می‌نامد. در شرایط سوم با انسان «دیگر راهبر» مواجهیم که به نظر نویسنده در جامعه دارای ارتباط الکترونیک تجلی می‌یابد. (ساروخانی، ص ۵۹).

با توجه به نظر این دو اندیشمند عرصه ارتباطات باید گفت که دیگر برقراری ارتباطات از حالت ابتدایی خود خارج شده، اکنون از طریق حرکت الکترون‌ها انجام می‌گیرد، همان ذراتی که دور هسته اتم در گردش‌اند، همان ذراتی که هرگز به چشم نمی‌آیند و بسیار ریز و نامرئی‌اند. حال اگر در این شرایط پیامی هم از طریق این الکترون‌ها جریان یابد قطعاً قابل رؤیت یا لمس نیست، زیرا الکترون‌ها قابل رؤیت نیستند. غرض از بیان این نکته این است که به دلیل نامرئی بودن این عوامل پیام‌رسان، کار بر مریبان و روشنفکران و حافظان فرهنگ و تربیت و اخلاق و مذهب جوامع بسیار مشکل می‌شود؛ البته اگر به مقابله یا حذف برآییم، اما اگر نگاهمان را عوض کنیم می‌توانیم این ابزار الکترونیکی را در خدمت اهداف و برنامه‌های خویش قرار دهیم، چرا که مک لوهان می‌گوید: هر وسیله امتداد یکی از حواس انسانی است، مثلاً خط امتداد چشم است و رادیو امتداد گوش و... او هم چنین می‌گوید: تمامی تکنولوژی بشر با حواس انسانی در آمیخته است، به عنوان مثال چرخ را امتداد پای انسان می‌دانند. در واقع ما نباید در جهت حذف خط، رادیو یا چرخ قدم برداریم، بلکه باید آن را درست هدایت کنیم تا ما را به مقصد و هدفمان برساند که در این صورت نه تنها زیانی به ما نمی‌رساند، بلکه کارها را بسیار بر ما آسان می‌سازد.

صاحب‌نظران در اهمیت وسایل ارتباط جمعی نظریات متعددی ارائه داده‌اند. در مجموع برخی گفته‌اند که این ابزارها چنان قدرتی دارند که می‌توانند نسلی تازه برای اولین بار در تاریخ پدید آورند. برخی معتقدند که این ابزارها تأثیر چندانی بر مخاطبان ندارند و برخی دیگر گفته‌اند دولت و قدرت در اختیار کسی است که وسایل ارتباط جمعی در اختیار او باشد و غرض از این وسایل، رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات‌اند

که در سازندگی جامعه یا ایجاد انحرافات و دامن زدن به آن نقش فوق‌العاده‌ای دارند. (قائمی، ص ۱۷۶) البته نه نظریات افراطی و نه دیدگاه‌های تفریطی، هیچ یک نمی‌تواند صحت داشته باشد، بلکه این ابزارها هر چه باشند وسیله بیجان در دست انسان‌اند و خاصیت وسیله و ابزار بودن خود را هرگز نمی‌توانند از دست دهند، پس کاملاً قابل کنترل و هدایت‌اند. آن چه مهم است چگونگی برخورد و به کارگیری این ابزارهاست. اگر جامعه‌ای از لحاظ فرهنگی سست و کند عمل کند، نقش تخریبی این ابزارها بیش‌تر جلوه می‌کند و اگر جامعه‌ای این ابزارها را به دست بگیرد و مهارشان سازد، قطعاً مزایایی بیش از مضراتشان عایدش می‌گردد.

### وسایل ارتباط جمعی و مدرسه

با توجه به نقش حساس وسایل ارتباط جمعی باید گفت که در شرایط کنونی جامعه، برای هدایت و کنترل این ابزارها تلاش بیش از پیش مربیان فرهنگی و تربیتی جامعه مورد نیاز است. زیرا وسعت و گستره پوشش دهی وسایل مزبور خیلی بیش‌تر از ابزارها و شرایط آموزشی و تربیتی است. در این جا نه تنها معلمان، بلکه والدین و مربیان فرهنگی، اخلاقی و تربیتی نیز باید دست به دست هم دهند و این اسب‌های ناآرام را مهار کنند تا نسل نواخته را در سراسیمگی سقوط قرار ندهند. اکنون وضعیت ارتباطات با گذشته فاصله بسیار یافته است و دیگر از «برید» و «چاپار» و «تیر» و «کبوترخبرسان» و... خبری نیست. اکنون رسانه‌های الکترونیکی با سرعت الکترون خبررسانی می‌کنند. دیگر سرعت و دقت پیام رسانی فوق‌العاده بالا رفته است و در کم‌ترین زمان ممکن اخبار از یک کشور به کشور دیگر، از یک قاره به قاره دیگر و حتی از یک سیاره به سیارات دیگر ارسال می‌گردد. در این شرایط باید در یک شبکه ارتباطی برای غنا بخشیدن به گیرنده پیام اقدام کرد. لذا باید برنامه‌ها بیش‌تر در جهت آماده‌سازی گیرندگان پیام تنظیم شوند تا اولاً در گزینش پیام‌ها دقت و فراست لازم را به خرج دهند، ثانیاً

تأثیرات مثبت را از اخبار مثبت جو یا شوند. در نهاد آموزش و پرورش که مدت کوتاهی از وقت دانش‌آموزان را در اختیار دارد، لازم است که این دو نکته به آنان آموزش داده شود. البته نقش مدرسه در مقایسه با وسایل ارتباط جمعی در حال حاضر بسیار کم‌رنگ شده است، هر چند می‌تواند بسیار مؤثر باشد. بدیهی است اگر خانواده و مسئولان با مربیان همکاری نکنند، قطعاً آنان نمی‌توانند در این امر موفقیت لازم را کسب کنند، زیرا وسایل ارتباط جمعی در کار آموزش، از جهاتی بسیار، بر مدرسه پیشی نیز می‌گیرند، از جمله:

● مدرسه از آغاز تا پایان، محدودیت زمانی دارد. یعنی فقط سال‌هایی چند از حیات طفل یا جوان را به خود مشغول می‌دارد، اما وسایل ارتباط جمعی بی‌هیچ محدودیت در تمامی مراحل زندگی با انسان‌ها همراه‌اند و از آغاز تا پایان عمر آن‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهند.



با توجه به نقش حساس وسایل ارتباط جمعی باید گفت که در شرایط کنونی جامعه، برای هدایت و کنترل این ابزارها تلاش بیش از پیش مریبان فرهنگی و تربیتی جامعه مورد نیاز است. زیرا وسعت و گستره پوشش دهی وسایل مزبور خیلی بیش تر از ابزارها و شرایط آموزشی و تربیتی است.

اعتقادات و سنت‌ها را در نزد آن‌ها سست نموده و نسلی با روحی ناآرام به دنبال ناکجا آباد و تربیت‌ناپذیر به جامعه تحویل داده‌اند. پس همه با هم باید دست به دست هم دهیم تا همگام با پیشرفت علمی و تکنولوژیکی، فرهنگ‌ها را نیز ارتقا دهیم. توجه داشته باشیم که از دست مدرسه به تنهایی کاری ساخته نیست و نمی‌تواند در برابر امواج پرتلاطم و تعطیل‌ناپذیر افکار پوچ و زیان‌رسان، نسل کنونی را محافظت کند.

### فهرست منابع:

- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۷): فرهنگ‌شناسی، تهران، پیام‌روز.
- قائمی، علی: آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، ریشه‌یابی، پیشگیری و درمان.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۱): جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات.

● مدرسه حتی در سال‌های محدودش، فقط ساعاتی چند از حیات طفل یا جوان را در اختیار دارد، حال آن‌که وسایل ارتباط جمعی چنین نیستند. امواج رادیو و تلویزیون (از آن‌جا که این وسایل پوشش شبانه‌روزی دارند) در تمامی ساعات شب و روز به خانه می‌آیند و لذا هیچ محدودیت زمانی ندارند.

● مدرسه از نظر مکان محدودیت دارد، اما وسایل ارتباط جمعی هیچ محدودیتی از این نظر در خود نمی‌بینند. امواج این وسایل به همه جای خانه، مدرسه، شهر و بیابان راه پیدا می‌کند.

● مدرسه می‌تواند قشری خاص از انسان‌ها را آن‌هم به شماری اندک و در زمان و ساعاتی محدود زیر پوشش گیرد، ولی وسایل ارتباط جمعی همه انسان‌ها را پوشش می‌دهند.

● مدرسه فاقد ابزارهای لازم در راه ارائه دانستنی‌ها در متن واقعیت و همراه آن است. از این روست که بر حافظه از طرفی و تخیل از طرف دیگر تکیه دارد. (ساروخانی، ص ۸۵) اما وسایل ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی‌اند که واقعیت‌ها را با تمام ابعاد و عناصرش به نمایش می‌گذارند.

با این توصیف باید گفت در این عصر که به عصر حکومت رسانه‌ها، عصر جریان الکترون‌های خبررسان و عصر ارتباطات موسوم شده، تعلیم و تربیت از انحصار مدرسه و دانشگاه خارج گردیده و نقش دولت‌ها نیز در فرهنگ‌سازی محدودتر و کم‌رنگ‌تر شده است.

رسانه‌ها بی‌مها با در درونی‌ترین، تنهاترین و خلوت‌ترین محفل و زندگی شخصی افراد وارد شده، با انتشار اخبار جرم و جنایت، فیلم‌ها و برنامه‌هایی که در آن زدوخوردهای هیجان‌انگیز، روابط نامشروع جنسی، خشونت، قتل، سرقت و... اثرهای ویران‌کننده و ناخوشایندی در افراد بر جای می‌گذارند، روح عصیان‌گری و خشونت را در جوانان می‌دمند و زمینه‌های انحراف و ابتذال و مسخ‌شدگی را در این نسل مستعد و پرتوان ایجاد می‌کنند. شاید این عصر بدترین اعصار تاریخ برای جوانان باشد که به دلیل گسترش بیش از پیش رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، پایه‌های قطعی‌ترین